



محسن هاشمی: به وقت میوه چینی رسیدیم!

فصل برداشت در بهشت

گروه جامعه: آذرماه سال گذشته محمدرضا جوادی‌یگانه، معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران در نشستی خبری درباره یک نظرسنجی جهاد دانشگاهی در رابطه با میزان رضایتمندی مردم شهر تهران از عملکرد شهرداری گفت نمره...

صفحه ۱۳

دوشنبه ۱۹ خرداد ۱۳۹۹ • ۱۶ شوال ۱۴۴۱ • ۸ ژوئن ۲۰۲۰

تترها

حداقل دریافتی ۲ میلیون و ۶۱۱ هزار تومان شد

صفحه ۴

اندر مصائب وسط‌ماندن

ایستاده در غبار

صفحه ۲

پوزش از رئیس کل بانک مرکزی

یک نسبت اشتباه

صفحه ۲

ترکیه به دنبال افزایش بار تنش گردی بر دوش ایران است

صفحه ۱۵

تشدید رکود، ناشی از سیاست‌های تأمین مالی

گفت‌وگو با علی دینی‌ترکمانی

صفحه ۴

می‌نشینیم به تماشای

گفت‌وگو با لیلی گلستان

صفحه ۱۰

حرف اول

سایه‌روشن قتل رومینا

مرتضی شهبازی‌نیا

حادثه غم‌انگیز قتل فجیع رومینا، دختر نوجوان به دست پدر متعصب یار دیگر وجدان عمومی جامعه را تحریک کرد و هر کسی از ظن خود،

علتی را جست و راه‌حلی را پیشنهاد کرد. جمع زیادی حتی از مسئولان عالی‌رتبه، اشکال را در خلا و نقص قوانین مبارزه با خشونت خانگی و مسئله ناممکن‌بودن قصاص پدر دانستند و بر تصویب قوانین مناسب در این زمینه تأکید کردند. بدیهی است که وجود قوانین کارآمد و مناسب در هر حوزه‌ای، مهم و ضروری است و اشکالات مورد اشاره در این قوانین باید در جای خود و به‌موقع برطرف شوند. اما واقعیت این است که حتی سخت‌گیرانه‌ترین و کامل‌ترین قوانین هم نمی‌توانند به تنهایی مانع رخداد چنین حوادثی شوند. واقعا می‌شود گمان برد که پدر قاتل در زمان قتل فرزند ناممکن‌بودن قصاص خود اندیشیده باشد؟ ضرورت تصویب قوانین بازدارنده و به‌ویژه الزام دستگاه‌های ذی‌نفع به حمایت از افراد در معرض آسیب، انکارناپذیر است باین‌حال انداختن گناه به گردن قوانین و اکتفای مسئولان به پیشنهاد قوانین سخت‌گیرانه شاید ساده‌ترین راه برای فرار از مسئولیت باشد ولی قطعا راه‌حلی نیست که بتوان برای حل معضلات اجتماعی به تهنایی به آن تکیه کرد. به نظر می‌رسد درد و درمان را بیشتر از قانون باید در حوزه فرهنگ و آموزش جست. به‌راستی کدام‌یک از عوامل مرتبط با این حادثه برای انجام وظیفه خود آموزش دیده‌اند؟ پدر کشاورزی که راه تربیت درست فرزند و اصلاح اشتباه و خطای او را نمی‌دانسته و برای اطغای سرشکستگی در میان قوم و قبیله، دست به جنایت فجیع می‌زند یا مرد ۳۰ساله‌ای که از تبعات ارتباط با دختری خردسال آگاه نبوده و حتی علنا اقدام خود را در فراری‌دادن دختر مطابق عرف معرفی می‌داند و از آن دفاع می‌کند یا پلیسی که احتمالا هرگز برای نحوه برخورد با مسائل اجتماعی آموزش ندیده و قادر به درک و تحلیل تبعات تحویل دختر فراری به پدر متعصب و ناآگاه در یک جامعه روستایی نبوده است. درحالی‌که به زعم بسیاری از متفکران، آموزش مؤثر و به‌موقع و ضروری مهم‌ترین وظیفه یک دولت است، متأسفانه در حوزه مسائل و امور اجتماعی به‌ویژه برای جوامع روستایی و سنتی باید به فقدان برنامه هدفمند آموزشی اذعان کرد.

ادامه در صفحه ۲



هاشمی طببا در گفت‌وگو با «شرق»:

مصطفوی با دخالت خاتمی برکنار نشد

گروه ورزش: فوتبال ایران این روزها درگیر حواشی متعددی است؛ از افزایش جزئیات قرارداد عجیب‌وغریب مارک ویلموتس، سرمربی سابق تیم ملی ایران، تا بحث تعلیق فوتبال ایران و اصلاح اساننامه فدراسیون که بندهای اساسی...

صفحه ۱۴

سال هفدهم • شماره ۳۷۳۷ • ۱۶ صفحه • ۵۰۰۰ تومان

سرمقاله

تهران ۳۰ سال بعد از زلزله منجیل

مهدی زارع

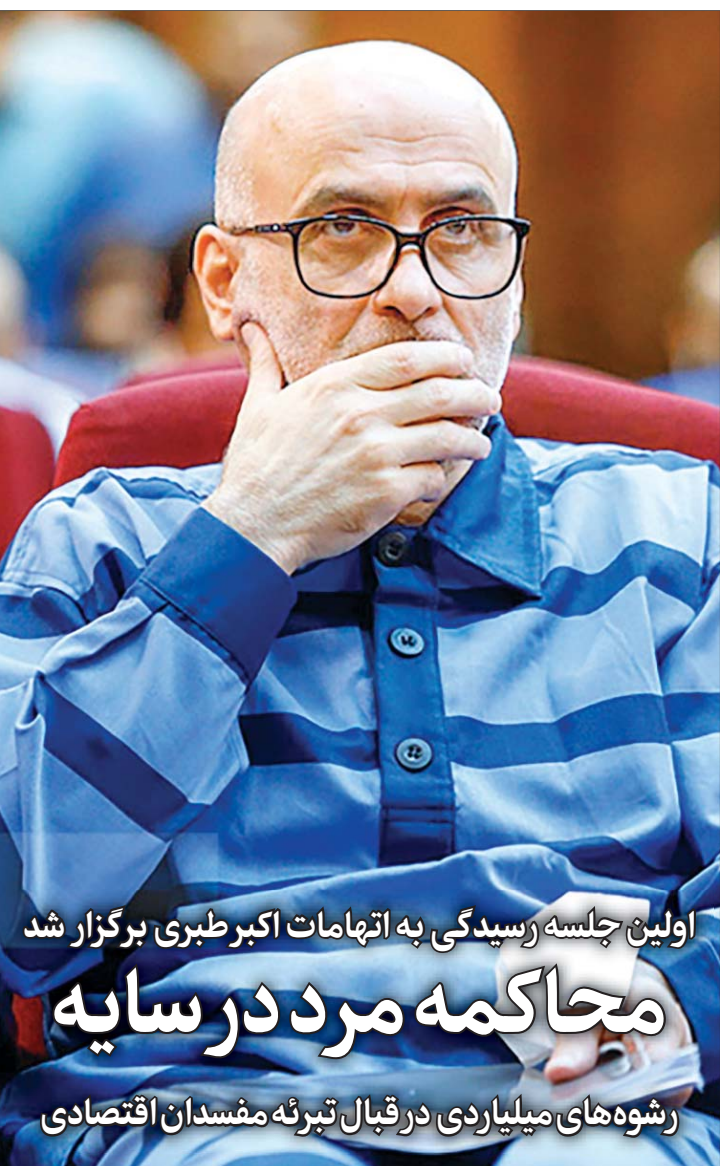


سی‌امین سالروز زلزله ۱۳۶۹/۱/۳۱ منجیل در خرداد ۹۹ بعد از حدود یک‌ماه‌ونیم لرزه‌خیزی در محدوده استان تهران به‌ویژه روی پهنه گسله مشا

در نزدیکی تهران فرامی‌رسد. زلزله منجیل در غرب البرز و در یک تلاقی ساختاری مهم در ابتدای دره سفیدرود رخ داد. در منطقه رومیزی و سه شهر مهم منجیل، رودبار و لوشان (که در شهرستان رودبار گیلان قرار دارند) با جمعیتی بالغ بر ۱۲۰ هزار نفر نزدیک به ۱۶ هزار نفر (طبق آمار رسمی) کشته شدند. سد مهم منجیل آسیب دید، ولی خوشبختانه با وجود آنکه مخزن سد لبالب از آب بود، فرونریخت. این زلزله اولین زلزله به معنی واقعی شهری ایران بود. سه شهر ایران در این زلزله تقریباً به‌طور کامل با درجه بسیار زیاد تخریب شدند: منجیل، رودبار و لوشان. این زلزله اولین زلزله ایران بود که در آن آسیب‌هایی به سیلو (لوشان ورشت)، بیمارستان (رودبار)، نیروگاه (لوشان) و ده‌ها دهنه پل و کیلومترها جاده و مخازن آب متعدد و کانال‌های انتقال آب وارد شد و البته بیش از ۱۵ هزار کشته و ۴۰ هزار مجروح بر جای ماند. حدود ۵۰۰ نفر از این کشته‌ها فقط زیر زمین

و در نتیجه لغزش‌های ناشی از رخداد زمین‌لرزه (مانند آنچه در لغزش روستای فتلک روی روستای قیسم در شمال رودبار با ۲۵۰ کشته رخ داد) مدفون شدند. یا در روستای یکلور از توابع تارم علیای زنجان، در یک زمین‌لغزش دو نفر خانم زیر لغزش مدفون شدند. نگارنده به یاد دارد که در سال‌های نخستین بعد از رخداد زلزله و به‌ویژه در سال‌های ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ که بازسازی تدریجی ساختمان‌های مسکونی در حال انجام بود، مردم منجیل و رودبار با اثرپذیری روانی از این رخداد تلاش می‌کردند در ساخت‌وساز رویکردی محافظه‌کارانه داشته باشند؛ با میزان تیرآهن و مهارندهایی که به‌ویژه در ابتدای سال‌های ۷۰ در ساختمان‌های بازسازی‌شده مشاهده می‌شد. اکنون و سه دهه بعد از زلزله منجیل در منطقه منجیل و رودبار بی‌توجهی به خطر زمین‌لرزه دیده می‌شود. ساخت مجتمع‌های مسکن مهر در محدوده‌ای با ریسک بالا در شهر رودبار و همچنین احداث آپارتمان‌ها در حاشیه منجیل، رودبار، لوشان و رستم‌آباد در محدوده‌ای بسیار ناپایدار و با خطراتی گوناگون زمین‌شناسی (زمین‌لغزش، تشدید بر اثر رخداد زمین‌لرزه بعدی به دلیل اثر توپوگرافی و...) مثال مهمی از فراموشی زمین‌لرزه ۱۳۶۹ در همان پهنه است. شهرستان رودبار سال ۱۳۶۹ حدود ۱۴ هزار نفر جمعیت داشت. با رخداد زمین‌لرزه در سال ۱۳۷۵ به حدود ۱۰۰ هزار نفر، در سرشماری ۱۳۸۵ به حدود ۱۲۶ هزار نفر و در آخرین سرشماری ۱۳۹۵ به ۹۴ هزار و ۷۲۰ نفر رسید. اگر همین روند رشد جمعیت سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ ادامه یافته بود، باید در سرشماری سال ۹۵ حدود ۱۵۰ هزار نفر در کل شهرستان رودبار زندگی می‌کردند که اکنون یک‌سوم کمتر در شهرستان رودبار نسبت به روند طبیعی رشد جمعیت دیده می‌شود. احتمالاً این موضوع به مسئله مهاجرت از شهرستان‌های کوچک به سوی رشت، قزوین، تهران و کرج مربوط است. تمرکز جمعیت در شهرهای بزرگ رشد شهرهای با معرضیت (و ریسک) بالا در هر یک از استان‌های ایران را ثابت می‌کند. شهرهای پرجمعیت‌تر ما در زلزله‌های بعدی که می‌توانند مانند زلزله منجیل باشند، آسیب بالاتر و تلفات احتمالاً بیشتری خواهند داشت. تهران در رخداد زمین‌لرزه نیمه‌شب پنجشنبه به جمعه ۱۹/۲/۹۹ با بزرگای ۴٫۹ در دماوند و در پس‌لرزه هفتم خرداد ۹۹ با بزرگای ۴٫۱ لرزد و این لرزش جمعیتی حدود ۲۰ میلیون نفر در لرزه اصلی و حدود هفت میلیون نفر در پس‌لرزه مهم آن را شامل شد.

ادامه در صفحه ۴



اولین جلسه رسیدگی به اتهامات اکبر طبری برگزار شد

محاكمه مرد در سایه

رشوه‌های میلیاردي در قبال تبرئه مفسدان اقتصادی

صفحه ۶

یادداشت

ضرورت بازگشت بورس به کارکرد اصلی آن

اکنون با اینکه سال‌ها از تشکیل بورس و شرکت‌های سهامی می‌گذرد، هنوز بسیاری از سهام‌داران جزء و مردم عادی با سازوکارهای آن بیگانه هستند. بسیاری از سهام‌داران جزء در طول سال، تماس و ارتباطی با شرکتی که سهام آن را خریده‌اند ندارند و از فعالیت‌های شرکت بی‌اطلاع هستند. بسیاری از آنها به معاملات سهام به چشم سپرده‌گذاری‌های مدت‌دار بانکی نگاه می‌کنند و تنها هدف مورد انتظارشان از خرید اوراق سهام شرکت‌ها این است که این شرکت‌ها هم مانند بانک در پایان سال مبلغی به عنوان سود به آنها بپردازند. این سوءتفاهمی است که در اذهان عمومی به وجود آمده و برای رفع این سوءتفاهم اذهان عمومی اقدامی در جهت آموزش و فرهنگ‌سازی انجام نشده است.

در این فضای کم‌اطلاعی همه‌ساله در جلسات مجامع شرکت‌ها کسانی هستند که تحت عنوان دفاع از منافع سهام‌داران جزء به مطالبات سهام‌داران جزء حاضر در مجمع دامن می‌زنند و شرایطی به وجود می‌آورند که هیئت مدیره چاره‌ای جز تسلیم‌شدن در برابر جو حاکم نمی‌بیند و این‌گونه منافع درازمدت بنگاه‌های اقتصادی سودآور فدای منافع کوتاه‌مدت می‌شود. چون کسی برای آنها توضیح نداده که خرید سهام یک بنگاه اقتصادی برخلاف سپرده‌گذاری در بانک یا خرید اوراق مشارکت به منزله مشارکت در سود و زیان آن بنگاه است. کسی به آنها نگفته است که قاعده بازی در بورس سهام ریسک‌پذیری است و در همه دنیا شکست و موفقیت یک شرکت به تساوی میان سهام‌داران کل و جزء تقسیم می‌شود.

در مقطعی به این کار مبادرت می‌کنند، اما آنچه نادرست است، خرید و فروش مداوم و کوتاه‌مدت سهام بدون درنظرگرفتن کارکرد اصلی بورس است. در این فعالیت، کار مفیدی جز شرط‌بستن روی قیمت سهام صورت نمی‌گیرد. نتیجه این روند نیز درنهایت بی‌اعتمادی مردم به بورس به جای امیدواری برای سرمایه‌گذاری در سطح ملی است؛ برای مثال، در ماه‌های اخیر شاهد رکوردشکنی در دادوستد سهام و ارزش معاملات بورس بودیم اما با مقایسه عدد «ارزش کل معاملات» با «ارزش کل افزایش سرمایه شرکت‌ها» در این دوره مشخص می‌شود سهم شرکت‌ها از این خروش نقدینگی گسیل‌شده به بورس ناچیز بوده است.

در حال حاضر ادامه این رویه‌های نادرست موجب شده بورس ما به محلی برای رسیدگی به امور تجاری مهم شرکت‌ها تبدیل شود؛ تا جایی که شرکتی که سودآور است ولی برای سوداگران سودآور به نظر نمی‌رسد، سهامش به فروش نمی‌رود و در عوض سهام شرکت کوچکی که عملیاتش محدود است یا شرکت‌های بزرگی که زیان‌ده هستند و میلیاردها تومان ضرر انباشته دارند، در بورس بدون هیچ دلیل مشخصی سهامشان بالا برود و سهام‌داران ساده نیز از بالا و پایین‌رفتن‌های بی‌دلیل ارزش سهام پیروی کنند؛ برای مثال در سال ۹۸ بازدهی شاخص هم‌وزن ۴۳۰ درصد بوده اما این شاخص در ۳۰ شرکت بزرگ ۱۲۶ درصد بوده است. این نشان می‌دهد که رشد بورس به جای شرکت‌های بزرگ، بیشتر معطوف به هجوم نقدینگی به سهام کوچک و کم‌ارزش بوده که جابه‌جایی مصنوعی قیمت در آنها راحت‌تر است.

ادامه در صفحه ۴

بسیاری از مردم با مفهوم واقعی بورس و اهداف به‌وجودآمدن آن آشنا نیستند و همین ناآشنایی موجب شده این نهاد از کارکرد اصلی خود دور شود و زمینه را برای سوءاستفاده افراد حرفه‌ای فراهم کند.

مختلف از افراد گوناگون برای تأمین مالی شرکت‌ها در فعالیت‌های تولیدی مفید و امکان تقسیم و کم‌کردن ریسک در سرمایه‌گذاری است. بورس پول‌های خرد را وارد بازار تولید می‌کند و موجب می‌شود نقدینگی و تورم کم می‌شود و با فراهم‌کردن سرمایه برای فعالیت‌های مفید، شغل ایجاد می‌شود و به‌تبع آن بسیاری اتفاقات مثبت دیگر خواهد افتاد. اما نکته اینجااست درحالی‌که علت اصلی تشکیل این نهاد تأمین مالی برای شرکت‌هاست –همان‌طورکه بسیاری از واحدهای اقتصادی دنیا بخش عمده سرمایه خود را از محل منابع بورسی و فروش سهام به مردم تأمین کرده‌اند– اما در سال‌های اخیر، بورس ایران به‌جای آنکه محلی برای جذب بلندمدت سرمایه‌های مردم و تزریق آن به صنعت و تجارت کشور باشد، به محلی برای «بورس بازی» یا «دلالتی بورسی» تبدیل شده است.

در بورس بازی، امروز سهام‌داران یکسری سهام می‌خرند و فردا با قیمت بیشتر می‌فروشند. در این صورت، کسی که دیروز این سهام را فروخته ضرر می‌کند و کسی که امروز آن را فروخته سود می‌کند و سرمایه‌گذار از «سرمایه‌گذاری» کسب درآمد نمی‌کند بلکه از جیب شخص دیگر پولی را به جیب خود اضافه می‌کند و برعکس. البته خرید و فروش سهام به خودی خود بد نیست و سرمایه‌گذاران



روزبه پیروز

در سال‌های گذشته پدیده‌های جدیدی از خارج به زندگی ما وارد شدند و چهره زندگی ما را متحول کردند. ورود این پدیده‌های نوین وارداتی باوجود محاسنی که با خود به همراه آوردند، با آسیب‌هایی همراه بوده است. یکی از این آسیب‌ها به «فرهنگ کاربرد صحیح» آنها بازمی‌گردد؛ فرهنگ نادرست اتومبیل‌رانی، آپارتمان‌نشینی و استفاده از وسایل ارتباطی و فضای مجازی از نمونه‌هایی است که همه ما روزانه با آنها سروکار داریم.

ازاین‌رو با ورود هر کالا و خدمات جدید لازم است تا فرهنگ بهره‌گیری مناسب و سازنده آن شناخته شود و در مسیر صحیح آن به کار گرفته شود تا آسیب‌های آنها به حداقل برسد. برای فرهنگ‌سازی مثبت با حذف فرهنگ منفی یا اصلاح آن باید درباره ظرفیت‌ها و امکانات و فلسفه ایجاد هر چیز «اطلاعات‌رسانی» دقیق و کامل انجام شود. هنگامی شخص یا جامعه

به فرهنگ درست استفاده و بهره‌برداری از چیزی سوق داده می‌شود که نسبت به آن آگاهی کامل و صحیح یافته باشد. درحال حاضر سال‌ها از ورود این پدیده‌ها به کشور ما می‌گذرد اما برای استفاده صحیح از آنها بسترسازی لازم نشده است. یکی از این پدیده‌های نوین وارداتی «بورس سهام» است. امروزه چند دهه از تأسیس بورس ما می‌گذرد و همه روزه در آن میلیاردها تومان دست‌به‌دست می‌شود، اما هنوز

جناب آقای فرشاد میرنشتری

و خانواده محترم

عروج شادروان علی‌اصغر

حاجی‌بابا که نمونه‌ای از یک

سرمایه‌دار ملی و بنیان‌گذار صنعت ریخته‌گری

و صنایع وابسته در ایران است ضایعه‌ای

جبران‌ناپذیر برای صنایع کشور است

اما جای خالی آن مرد مهربان و متواضع در

بین خانواده و فامیل عارضه‌ای نیست که تا

سال‌های سال بتوان فراموش کرد.

اشرف و فریدون صمدی‌زاده



جناب آقای محمد بحرینیان

مصیبت وارده را مصیمانه تسلیت عرض می‌کنیم. از خداوند

سبحان برای آن فقید سعید علو درجات و برای شما و سایر

بازماندگان صبر و اجر آرزو می‌کنیم.

مهدی رحمانیان، احمد غلامی

ارتباط با روزنامه شرق

SHARGHLINE
@SHARGHDAILY.IR

